





قضا در اسلام

آیت‌الله محمدی گیلانی حاکم شرع تهران

فست بست و چهار  
حصی از فلها نظام شهد رضوان الله علیهم، فتوی  
موجود مزاعات سوی داده است و کهنداد ک روایات دلالت  
موجود دارد که ازان جمله صدوان معنی علی بن یاوه  
و محمد پسر احمدش و شهید ناسی و معاذ ربیع و  
حصی از معاشرین از فلها امساندان و اساد مزکوار  
محمد الله البالد ایام حصی در تحریر الوسلة هسن نظر  
را بدینهند.  
طائفه دیگر از فلها، کائل با صحابه مزاعات سویه در  
انواع ازاد و ازات دتمانه، مکر در سویه عدل حکم که  
پالانگان مزاعات از واچ ای، و از ای کهود سیوان  
غلای خلی و ساحل طهره در اصحاب دارد و حصی راجع  
روایات شریفه طهره در اصحاب دارد و حصی راجع  
خصائص یکی از معاشرین سیانی هد فناه قمری برگاه  
داده است، و ابن شوی و سکر که لان این سعی  
روایات لان اصحاب ای و هجده، سطر عصیه در  
قول دوم خلی از قوت سنت، و اثبات و مخوب مزاعات  
برابری در میان خصوم در محلی فنا، با روایات مذکوره، مستقل

و ظائف حاكم شرع

اولین وظیفه حاکم شرع، مراتبات سیوه و مباری  
درین طبقی دعوی بوده که در بحث قبلی منفصل  
گذشت. و اکنون نیزه و تاثیر حاکم را برخ روی میان  
میگم:

۴- ملکی طلاق بیکار خود طرد داده بود که  
در خرو طرف دیگر میباشد. برحاکم حرام است، مثلاً  
در ادعای دین علیه طرف معروض باو تعیین دهد که در  
محکمه اصل دین و انتکار کند و اوزار افوار دینی برداشت  
شده بو خود را دارد. و زیرا جنس تعلقی مسلم صریح بدلز  
دیگر دنیو است هنگاه که اکنون اهل دین را از امراء کند و  
مدحی سید که در پادشاه نموده است، بحث فاقد است.  
«افوار احتمال» علی اندیشم حاضر مدینون مودش رئاست  
است، و برای پرواخت باید اقامه حموده کند که کار  
مکاری ایست. اگر ما انتکار اصل فرض، بر دینه  
جزئی اثبات سیوه و مکاری را اقامه شود، ساق  
است و بدینه ایست اعلم مدکور سیوه مدعی علیه و  
برایان مدعی خواهد بود، و جنس خالی برحاکم حرام  
است.

بله، دھیون و استسانط در پیامون دعواه اقامه  
شده، برای حاکم حاضر ایست که کرجه در این استفسار د  
برس، احمدالطلیس در دفاع از خود بهمراه بود.  
جنابه حاکم علم بیصو بودن طرف بیندازد.  
ملکمن طبق اثبات صاحب حق در امور اهل ملک ای  
اما، ایه که نیزه

پاکسازی در آموزش و ترویج استان لرستان

- ۱ - بنا به فرموده رهبر انقلاب و استان ریز  
ساخت و نایاکها باند بروند و باکداشتها جای آنها را نگردید

۲ - هواطه و معاووهای راکناری میباشد ناسی از  
روح ناون انسانی و مطابق با موازین و احکام نوء فضای  
باست.

۳ - هیات راکناری باید از صالحترین و میاوزترین  
فرهنگیان مستکل شده و کمالاً مطابق با ناون انسانی و  
توانی حنوی عمل شاید و بدورت علی تشكیل حله  
دهد.

۴ - بورد ایهام هر یک از معلمان تخدیه شده با ذکر  
دلائل کافی و مدارگ فانوی و حق دفاع سواق کلیه معلمان  
سطور گردد.

۵ - سیاروان نا تشكیل هیاتی با کنفیات فوق کلته  
احکام غیر قانونی راکناری لغو و افراد متول راکناری  
مجدها کار خود را با دلگزی از سر گردید در بیان  
ما معلمان آماده بخدمت و ارجاحی را رفاس که فضای  
مسئول مملکتی حواسه های تائونی ما را بورد رسکنی  
و توجه لازم فرار دهدند در راه نبل حقوقی پایمال شده  
خود ارگای سواعیم نست. معلمان اخراج از خدمات  
معلمان آماده بخدمت درود.

بعد از گذشت سوییک به دو سال از سپورت اتفاق  
متولد اسلامی امیران در راه طلاق با مأکاذه و سالم ساری  
دستگاهها و ازمانهای دولتی تاکنون سیاری از و استان  
سایر از دستگاههای اداری کشور حس سب و ماد طلاق  
و ما تحولی داده اگاهی اتفاق شدید با اینکه صرف  
خط اداری طرد گردیدند. اما در جویان این امر میم  
این عذرآذیتی بنابر شاده و مراثن موظف و حسی  
ای اتفاقات سکول مملکتی (سنجان رشی، شهر)  
اذکری (۱۹۰۰) ... در سیاری موادر اغراض تحسی  
معیحالیات گروش و عدم واپسگی به جایی خاص  
طرد و تخفیف تعیین کارمندان دولت شده است.

آن راه طلاق بگلوفاها، تامعنهای و مادی مه دفن و زمامه  
ای از کارمندان آموزش و پرورش استان لرستان را که  
به دادستان کل کشور محابره شده درج گردیده ام.

کرام مرور من اسنادل هقوی و بر شودن موارد  
خلاف ناون در امر راکناری سویی و بروزش از  
جی حیی بعد از مهلت قانونی لایحه راکناری که در  
ماه گذشته ایام شده است حواسه رسکنی سے  
ذل شده اند.

احمد سالمیان

احمد سارعیان

۱۲ آن سال هاری با  
تباریها و نادیه ها از ازد  
ش در درج گردیده است که  
در راسته نای است این  
جات موجب طرح سوالاتی  
گردیده است نه تن و سله  
نهن نکدیه مساحت و  
مطالعه سهیه از طرف این  
حاب نیماها دارد به مطلع  
رفع اینهم و انتقام در  
سواره سنه دسسور فرمادند  
هوواره سائل معمولی بـ  
دادسرای اقلاب را ناید  
در شماره ۳۴۵ آن سال  
کلته اقلاب را ناید  
دادسرای اقلاب بـ عنوان  
محسن و منکر فرمادند که  
ما دادرسی عمومی شهران  
آن سال مورود ناید از  
دان طبقه راهداره و هم  
در شماره ۳۴۹ مورخ  
نان سال مطالب دیگری  
شکایت و ما اقلاب عانی در  
خصوص اتهامات وارد ناید  
نمایند مسعود طرف سفت  
۱۷ روز از تاریخ ۵۹/۶/۲  
به شعبه هفت باریزرسی  
دادسرای اقلاب فریاد و اعـ  
ش در زمان اوس مراجعت  
شاید

توضیح

تحت عنوان "نطبراده زیر  
شمار عناصر مخصوص از  
المسارها و باند کالک آزاد  
ند در درگ گردیده است که  
در راستا باست این  
حاج موجب طرح سوالاتی  
گردیده است تا من و سله  
شن سکبیت مصادره و  
مطلوب منته از طرف این  
حاج بناما دارد به مطلع  
رفع اینها و انتساب در  
سواره سانه دستور فرمایند  
هوازه سائل مربوط به  
دانسرای اطلاع را باند  
کلته افلاک با عنوان  
"دانسرای اطلاع" تحت محوی  
مختص و معمکن فرمایند که  
با دانسرای عمومی نهادن  
آنسته نکردد.  
حسن دادرک  
دانسان عمومی نهادن  
شکایت و با اطلاعاتی در  
حکم خواهی های وارد وارد  
ظاهر مسند طوف مدت  
۱۴ روز از تاریخ  
۵۹/۹/۲ به شعبه هفت بارگیری  
دانسرای اطلاع مرکز و اقام  
در زمان این مواجهه  
شکایت از طریق عمومی در  
منطقه خواهی که در  
سایر ورگفت در  
زمینه های مسلحانه خلابانی  
نهد چند بارگیری  
دانسرای اطلاع اسلامی  
تحت رسیدگی می باشد  
کاکلیک در مورد نامناسبه

## پیام جمیعت حقوق دانان ایران به کنگره بین المللی حقوق دانان دمکرات

من زیر بام حمیت عمومی سازمان ملل متحد  
حقوق انسان ایران نیابت طغیان محدود دست دکنیار  
تحاوار معنی‌های عواید به سرتاسریان و محروم‌خوارت  
حکای ایران، که نگری اموال آنها و مسکن‌ان  
بربور است که بوضط ندانند، تأسیس حقوق‌دانی  
حمیت حقوق‌دانیها در حلقه دیناریست  
انتاجه کنگره فرانسه بورگردانی می‌شوند  
که اینها می‌توانند مزدم شورنظامی  
من بنام: اندام موده است، اندام  
حقیقت حقوق‌دانی  
ایران از اینکه بعلت شرایط  
معنی از تحاوار دولت عراق  
به حاکمیات ایران توانست  
دران گنگره سروک  
تباشد ناتق است.  
حقیقت حقوق‌دانی ایران  
باعل است اعلام دارد که  
تحاوار بحکم ایران تجاوزی  
تسبیحهای اسلامی از  
جهت این خلفهای  
و جنگی است بخلاف اسرائیل  
بد ۲۰۰۰ ماده ۴ سور میل  
محتمد و مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ هدایه  
حریم که از اطراف  
دولت عراق این دیده و  
فرمایی اصلی آن خلفهای  
وحشی ایران و میران  
بساند و از زارع این پیش  
از همه امپراتوری میرکا  
و هموداری می‌شوند.  
اویز شرایع در این تجاوز  
جهه اصول شریر در  
کوکاوندیهای منطقی  
را ویران کنده و بخلاف  
دسترسیهای سارع ۴۴۴ و موج  
۱۹ دسامبر ۱۹۶۸ مجمع

د و اطلاعیه از دادستانی انقلاب هر کوچه

بدمولسه ماطلاع عسوم  
سرساد: لدا او کائیکه درموده  
خاکه سدهاشم بی محمد  
مادون فرورد سدهعلی سر  
پست این میدان دام  
تاریان گوست و سلول  
عصر و تحول دامها در  
راحل و خارج تکرو رایگام  
دروند با ترکیهای حارجی  
استفاده میدانی از است  
الحال. ساخت ۹/۵ می  
روزه سده ۱/۶ در  
نهضه اول دادک، انقلاب  
اسلامی مرکز آثار حواشی  
سلوک حکم زیرمینور  
لله

اولین وظیفه حاکم شرع، مزاعات شویه و براوی دین طریق دعوی بوده که در بحث تلی بتصیل است، و آنون نیزه وظایف حاکم را بر سرخ زیر مان نگیریم؛

۲- نقض مطالب بیکار در طوف دیگر میتواند، بوجاکم حرام است، مثلاً در اعدام دین علیه طوف سرسوس با میتوان دهد که در حکمه اصل دین را انکار کند او را اغفار بدمین پروداخته شده بر خدر دارد، زیرا جنس معلقی مسلم مسلم میتواند بطرف بکار بگیرد دعوی است جه آنکه اگر اصل دین را اغفار کند و بعده بیکار بوده برخواهد بوده، بحث فاعده است افراد الغلا علی اتفاقه همان دینون مومن نبایست، و برای پروداخت مابد آنها شهود کرد که کس از افراد الغلا علی اتفاقه همان دینون مومن نبایست و از اینجا است که اینکار اصل برقی شهود، بر داشتی، این اثبات شهود و مذکوره از اتفاقه شهود، اثبات و بدبخت است تعلم مذکور شود معمول علیه و بایان مذکوری خواهد بود، و چنین علیه برخواهد حرام است.

لی، تحقیق و استنباط در بیرون این دعوای امامه شده، برای حاکم حرام است که در این استنباط و بزرگ، احتمال طرفین در دفاع از خود بیشود نبود، چنانچه حاکم علم بمحی سمعون طوف پیدا کرد، نقض مطلب اثبات پیهای حق در اندیشور نلا اسکال است و داخل در آن که بکریه، توانواری علی الیوں انتوی اینسان، و تعلم راه اثبات حق، در قویه بیرون نه مطیع حاکم است، بلکه شهود و احتمال واحد است، مسروط به اینکه حاکم از فضایت بعلم خود، مخدور باشد و کرده،

د. سلامتیان در اینجا مدعی خود گفت: «اگر فرجهه  
ای ایران مانند این کارخانه نتوی و نجعی در کار بکنید  
از داستان سیاری از مسلکات حل میشند، چون با استفاده  
از من میتوانست این کارخانه به تغالت مجدد  
را خنثی کند و در حال حاضر بدور استفاده از نجعی  
و روحی و همچنان با استفاده از عویضی ایرانی موافقة است.  
البته مجدد خود را با موقوفیت اغاز کرد. وی در پیشی  
مکار از ساختن خود المپیار داشت: من بیوهان و کل مردم  
با میسری به مکلفن خود پایام دهم و در این راه لعله  
رویهایی را که در این پایان این انجام داده امام طبری  
نمیتواند در محلین غلط بگیرد بلطف ندانن نجعی برای  
توکنگاری در اینجا معمول شده است.

دکتر سلامتیان میهن در اوضاع ما مسئله جنگ چیز  
نمیگیرد، اگر به زاریم گذشته بنگریم متوجه مسیویم که در آن  
یا ان ۲۲ هزار نظرالی مسلح داشتم، در حالی که جمیع  
مقاتلین که به ایران وارد شدند ۴۴ هزار نظرالی بودند با  
آن تفاوت دولت وقت نیزها ۳ ساعت توافق مفاوضت کرد  
که در نهایه با جنگ نیز میمیم که در سوابقی که  
تلخ از اتفاقات اخیرهای سنتیم و غیرمیتم زیادی  
نه از این وارد شده لین میمیم در مقابل اورس مدام که  
بت ۲ سال است مرعش نجومت میشود با سرمهدهی ایسادگی

عن تدبیر مساجد	ب محروم اتفاقاً لاسلامی
مطالب منتهی از طرف این	از نایون مطوعات
جایز نهادن دارد و ممنوع	بعد این مدت مسح
رفع اینها و آشنا در	برخ زیر را در
موارد شناسه دستور فرمایند	دید و مخصوص شماره
هوازه مسائل مربوط به	ریاهه درج نماید.
دادسرای اتفاقات را نامند	در شماره ۳۹۵ آن
کلمه اتفاقات را عنوان	مروع ۱۷ آن ماه
دادسرای اتفاقات "محرومی"	مطالبی تحت عنوان
مسخر و معمک فرمایند که	جه سا دادستان
با دادسرای عمومی شهران	در مورد نزدیکت
اسمه نگردند.	قطعه زاده است و هم
دادستان حسین دادرک	در شماره ۳۹۶ موضع
دادستان عمومی شهران	آن ماه مطالب دیگری
شتاب و با اطماع اسما در	از طریق عصوبت در
حصوص اینها و از هزاره	سترسک شد خزانگاری
نها این میشه طرف مدت	ساق و برکت در
۱۰ روز از تاریخ ۵۹/۹/۲	میانی سلجانی خانانی
به سمهه هفت بار پری	هفت بار پری
دادسرای اتفاقات سرگز و افع	روای اتفاقات الکساند
	ریا از

ارزش عرق در این مجاور  
دهه اول هجدهمین قرن در  
کتابخانهای بنیانگذار  
را زیرا کتابخانه و میراث  
نهضه سازه ۲۴۲۲ در  
هرگز ندارد. میراث  
نماینده تاریخ اسلام  
و ایران است.

۲) دادستان کل می تواند مدیر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را منصوب کند؟







-



آگهی‌های نوبتی سدهماهه دوم  
سال ۱۳۵۹





متن کامل سخنان ریاست جمهور در حسینیه ارشاد

اسکے بارے میں اکھا تدوں کہتے ہیں کہ تو کوئی بدل اپنے بارے موجہ سے ترکیب احسانی - فرمکی وحدت انسانی و موقعتی سائی دلخون و مسالٹی کے داروں سوڈ بک جا دوئے کروئے ساتھ کلکیدے میکوت نیکم نہیں سنا کتے؟ اکا یہے بے مو بار ہر روزونے؟ اما من بن جوئی سوڈ؟ اما سماں تھا اسے؟ اگر شوہ سے اس حکم وحدت اپنے اس سمت ہاں سمجھتے ہو جائے؟ بیس ماں اگر بستے ہاں آیا۔

فقط وقی که ما عب را برای قدرت  
طلی داریم میرسم ازین که کسی  
باید و سکوند که این عب در کار  
شما هست.

وبدعاهام نمی شود و از حرثهایی که بیرون می آیند در یک  
حاجه می انتقام و حالاً اگر باشد این حا رستندگ است تنها از  
دست خدمتکار حواس متعال ماست خوب این روش را در  
این حالت سوت کنم. این حواب و تجزیهای که با راه این  
حاجه رسانده سرفی کشم و برویم مکن خوبه دمکن تکنم.  
بسترین باشد برکردم و همان تحریره دروان اغلک را از  
خرسکریم این تحریره سرور مصوبی حاجی که انسانها میل  
آنده بودند و در شناهد بندگو هم را می خشم. کنی در  
درگاه دیرکی خود را من بدید. اصلی کنی از دنگی  
سی پرسنده که هیست؟ موهنجی قلمم اسان بدل می شد  
کنار هم راه سالماد و بیشه فناد روزم پیشلوی را از حا  
سکند. می نادم به عمان اهل نزدیکیم که در آنها خدا  
اصالت داشت و کنی در حرجوی تقوی در دیواری و مبارزه  
قدرت سود. اگر این دوچار در رسنه آزادی و وحدت  
انجام نمکرد، و ما که مسازه اساسی را برای ارسن نبردن  
رسنگاهی نهاد. پرسی احتمال بضم و بربایه توحد  
الاسلام به وحدت خود رسمه شه ایمان حکم دیانت  
ما خواهد شد. لکن خود این حکم مثل نیمه آتش روم  
خود را هم علام جواهید کرد. بعضی مذاق حواله  
سرزای نک و وحدت باستان ره معنای درست گله در گور  
ما و ماحواهم سوایت به مفهوم درست آزان شدید و تا  
زمان نوبت و نام سرتیت را به کل الکوی سوار زیبا و  
مندوی از ایستاد و پرسی و برازی و پر از این رهشون  
رسوم. اگر ما این کار را مکنم و اگر آنها که مصف ایمنه  
و علم و دادس خود را با نک رنمه روشنی که خوش  
پیشانند. من خواسته ره مطابقی را سالج برقی آن  
دستندند. حا خوش کنم و معلم متعدد. این ها را از سرمه  
بردازیم. اگر این ملک سلطی فراهم نمکند که در آن  
خطوط ایمنیها را سکند. امنیت های که رکنیت بازگرداند و  
این محبیت داده نشی کند و همه از همه کشته های  
که این حاجه کرد بایس و مر این بحیطه باش و مصل

من یعنوان یک فرد زوری ندارم .  
بـه اصل قدرت نیز اعتقادی ندارم .  
مید من اینست کـه با هـمه سختی  
کـه جنگ دارد، با این کـه جنگ را  
در حالی میکنیم کـه شما از بعضی  
بلیغات آگاه هستید کـه ما را حتی  
نجا هـم آسوده نمیگذارند. با هـمه

در راه هم علاج خواهد گرد. بعیی میانی موادی حواهند  
که از یک وحدت باشدار به میانی درست کنند در گذشت  
و محاوله این توانست به مددوی درست فرمان شدید و تواند  
نیز سویم و سام سوت را به یک لکوی سیار رسما و  
دویی از پرسفت و روش دهنده سوت و مواردی رشته های  
بیرون. اگر ما اس کار را نیکم و اگر آنها که نیافرستند  
و داشتند خود را با یک رسه روپهای تحریص  
نمیتوانند و خواهند در طبقاتی که ساخت برآور آن  
نمیتوانند جا خوش نکند و حکم سوت. اینها را از سویه  
نیز نمیتوانند. اگر این ملت بمحظی غراهم نکند که در این  
محل نمیتوانند اینها سکنه کنند. اینها عاقی کرده بازگردند و  
آن خوبی را دعوت ملکی نکند و همه از جهت کوششان  
که این ها کرده بیانند و در این جهت ملکی میتوانند

ن بعنوان یک فرد زوری ندارم .  
ه اصل قدرت نیز اعتقادی ندارم .  
ه مید من اینست که با همه سختی  
ه جنگ دارد، با این که جنگ را  
ر حالی میکنیم که شما از بعضی  
ه مبلیفات آگاه هستید که ما را حتی  
نجا هم آسوده نمیگذارند. با همه  
ینها و انشاء الله بخواست خدا  
ه عهد خود وفا میکنیم و میرویم  
می ایستیم و دشمن را میرانیم و  
میهن را یکبارچه و مستقل به دست  
ن ملت باز میدهیم .

مطلب پیشنهاد میکند مبنی بر اینکه هرچهار نظریه در  
باها نگاه جذب نمایند تا نوادران به نیاز نداشته باشند.  
اگر نا آن حلوه و حلزی انفلاتس را مسداسیم چطور  
آن بود همانی مانند سدام حسین حربات سکرد و نه  
من کاری دست ببرد: بخود سالمی است که اینکه اینکوئد مام  
تیسم و بخود تسلیع کنم که خیر چشم و چشم نیستم.  
هر چیزی از حقیقت را غیربر مخواهد داد. حقیقت بصورت  
دان و اقیمت بازم حلو چشم ما است من در دوره های رحبت  
میکم به دست بک هفده در این وسیله بزودی که بیام گویم

باید کشته شود. طاوس هایی در جامعه ماسار استعداد و قدرت افراد وجود نماید. این یک سطمه است ولی آنچه که در عالم وجود داشته باشد این خوبی و خیر دنی کیست مسخر. حسن جزو دنی مسند خط طلسمی که شما کنی خدمت مسند میگردید رجیفته بودی و گروهی است. جاید عباری گروهها و طبقات است و چنان دارای مفهوم مساذن و هر که روزی حرسی اور و مک مک و مت سرماده دار روزی من حربی و احکام مسند داشت و مت بر حکم رخ ناریح شفیده و تارما (کارگر) اور ایگون مسند و حود احکام مسند. مرد دهالی و

جودیت و به حقیقی دارد. نکته این است که در دو این  
نکته‌ها در اینکه اصل قدرت است برآورده شاریه و بقای و  
به جان و خدمجهز مساوی با قدرت و بیرون از. هم‌در  
براللهم عزیز و هم در بارگاه مساعی اهل وحدت فرع  
ت. همچون آغاز در رفاقت با همان اند. چون سخواهی  
دروستند حمد نظر ما هم وحدت می‌شوند و بقیه را از  
آن سر می‌شونند.

آن عظیم نظریه بلطف اسلام و اساس اسلام از منابع را این  
دو نکره نکر که درازای سکنی است و احادیث هست حالات  
ب و سایر این معنی را در ذکر نکنم تصوریم روی خطی  
بریم که بد وحدت و افضل سل کند در اسلام شریعت  
الله شاریه. همان احالت دارد. رفاقت جد دردی و  
هنچه احالت شاریه بلکه کار می‌اید این احالت دارد و داده  
رسانیده است این باتفاق تحریم مدرست هارها شدند

دیدست و مه حقیقی دارد. بگه این است که هر دو این  
نهادها در اینکه اصل نقدوت است برآیدند از این دو این

نیز میرزا علی خان و هم در مادرست معلم خاد اهل حدت فرع  
جنون افراد در رفاقت با هم آمد. جنون مسحواهشند  
و سوید جند نظر با هم داشت. میلکه و بدهه را از  
نیز میگفتند.

از این طرف میلکه اسلام و انساس اسلام از سعادت با این  
درست کرد که مادرات یک نکتاره است و احمدی به حالت  
دوستی و سعادت با این معنی را در کنیت سکتم مسحواهش روزی حظی  
نمود که به حدت و افصی میگردید. در اسلام قدرت دارد  
و مدارد. خدا اهالی دارد رفاقت چه فردی و  
کسی اهالیت دارد از نکته که میتوانی خدا اهالیت دارد و راه  
آن اندک سر بر این تحابی مسخری مدرستها را هشتر  
میگشند و خوش این این هم اینیست. سارا میرزا  
با مسحواهش اهل حدت رفارت رفرا دهنم و حدت ما سه  
میتوان سرگفت ما در این مدرست است. شاید اگر آنستی و

می روید و می گویند من کوهد سهیم بن داعیین کشد - بعد مازا  
و حدیث ابی نایاب زاده حسن ساس قوا در دفعه که بهم  
کشید افراد و گروهها در قدرت بعض حواهند کشید  
سخن فردا در اخلاق انسان ها عظاصل است که نظر  
کفر آن بخت از ارادت می بود و دامن ایر جامعه نکار می شد  
در حق اصحاب معرفت و ما زان انتلولی مردم  
نمی دیدم و حدت واقعی تحقیق بدها مکرد و دنگر  
همه کوشش کردیم برای مسیره اسلام به روسیانی  
لر بیرون کردی که این بستان اسلام در خانه های  
ماهی بسرفت اسلام می شد که هنوز مایه بدمجی ما  
این روح حارچی اسلام هست

اصل را خداد می‌داند. دنال وحدت حسنه. سه  
سن خودمان مثلاً میکویم زنده باد وحدت بارگزین  
شدهای ایران. نام هم میکویم زنده باد وحدت  
جهان ایران. اگر ما بمحاجوه وحدت بدانسته باوریم  
نهود است که بگوییم آنها تو شون و من صدمه حساساً فرم  
نگفتم آنها وحدت وقی سخن است که ما بگذر را  
شنیم. اگر شنیدنها وحاظم هستندگ را میتوان کنم و منزه  
دست کشم همه‌ی قدرمیم که به میگذر کرد دروغ میکویم.  
ما بار مردم نک شناسی کردیم و این روزی این  
باد را بگذر وحدت گنم. ولی بعد باز مسؤول

اللهم بالسي هی احسن یعنی  
جوری ؟ فران میگوید نا رسیدی  
حمق نوی کلد طرف بزن و نکو  
نمی زیاد ؟! اینهاست که ما را  
ف و زیبون میگند و یندیریخ فکر  
ن نرس ایجاد میگند و این نرس  
ن از نرس حماقهای ساواک است.

بعن کلم و قدرت را فردی نکنم و رفاقت میان را اصل غرایش نمایم؟ جوں هر فردی قدرش محدود است را از بهترین نمونه‌ها سروع نمایند، بتدربیج به حلومیا پند و بهترین میرسد. فگر از آنجه حق است دفاع کردی اطمینان برای همه بوجود د که درباره همه از حقوق شناخته دارم. دفاع خواجه شد و در

سلیمانو مه سها صدیقهای به جمهوری سی زندگانی از  
اساس مهم تقویت جمهوری متولد. اکر منظرگران، حموگان  
و شمشقان و مردم از اندسته و اینسان سانیدن و مقدّهای  
وارسان بسدهد و اهل حال و هم سان دیدند جهودگران  
لایل بک جمهوری از بای درآمد؛ جگوه مدن کن است  
متولد؛ س و فی که محوران رزم کار اول این سد که  
از

بروز سیم مرتوکیت میخ شد که داری این  
عده‌ها را باید کرد. بادا درست گرد ۱۶ دسته معمد  
بود. نه گمان کنید که من واقع به این امور ندوم نه خود  
فرم برای محضن همین ضعفها. منها دو جور بیشتر اما  
آن عده‌ها را سرخورد گرد بکی به شهادت گذاری که این  
اعدها را سلسله توبیخ دیگران خوار می‌شدند و بین از  
بیش روچه نظایران را شعفته می‌شکند و بکی به شهادت گذاری که  
رسان گردید و گویید آن عده‌ها را دفع نکنم با از روهای  
الح ما لوبی بسوند و بتوانید در برایر دسیس ماسنیم.  
نه عده‌هم خوب و عالی بود. از ونسکه من بخوشی  
و قدر دست در همچ گذام از حمله‌های خود بوقت موده  
است و هر مار نلغات سکنی تحمل گرد و غفت نست

شرط اینکه مطوعات بتوانند بفس  
بزرگ یک انقلابی را داشته باشد  
ایست که بتوانند بروند سیند  
مثلًا فلان زندانی که فلان کروه در  
فلان جا دارد مطابق قانون است  
یا نیست؟

است. گمان می‌ایم این کاکو این شوه کار را حمایت نماید

و پیشنهاد معنای بحث کردن این سنت که بیم سی شرط طلاق  
ستند و هر کدام اینها مجاز خود را ازد کنند و بعد هم  
بلطفه سوید و بروید، میدان بحث آزاد سادی سنت  
التحاصل برروید و فرضت را علماً شماره زیران این که عزون  
وجودی نکند و کس انسانی نکنند و کسی بگویند و زیادی  
نمیگویند، بحث آزاد برای این اس است که مفهومها شخص شنود  
و تراویش شون سوید و بحث برای اینها تصریح سوید.  
طوریک سوئنگان و کوینگان سمند کار مفهوم به قتو  
مدد و مدد اگر این شنود را اگر از این شنوند ممکن نندازند ایور را داده  
و بلومبریون بنوان یک ارزه از کار مهم بوت و موافعی حضوری  
ما در اینجا بود و بدینچنان این شنیده در اینجا حالم شده  
سوهای که حاکم شد همراه است که متفق شار ایست و  
پیشنهادهای ما اینست و محدث ایشان را خواهیم داشت و

رسانی همچوی را ناکند کرد این است آنچه که ما حواس تهایم  
اما این اما کار نجاح دیدنی است که بدانند که همچوی را  
کسانی که هر خود را بروره ساخته اند و طبقن گند نیاز  
نمی دارد. این همچوی اسلامی بکسانی نیاز دارد که مردم  
محال اندیشیدن و مجال تمارک در همچوی را مخلل را  
نه حدث و رادون نلوبیریون مراقب این کار است.  
و همچوی در ادامه سخنان با اشاره به این مطلب  
که من نیزمان نیا مردم گفتت سخت است و محتاج نیاز دارد  
تلوبیریون نیسم کنت: روزنامهها بیرون اکبر این شوه را کند  
دارند ادامه بدیند این نوعی حرب کردن آزادی است.  
اگر فرار باشد سخنان هر روزنامه اگتفا و فناست کند  
هر یمن از صفتی های دنگران در این صورت مانع کاری کند  
نمیکنم بتکذیب را از سیبهای فراوان عربان میکنم و در  
جلو دید مردم خودمان و جهان فرار مسدحه هم و مکان نمیکنم

استخراج موروند و فرست را مفهوم مستعاره برای این که بگویی  
وجودی ممکن است و گفت اختصاری ساخته و گویی ممکن و رسانید  
نمیتواند بعثت آزاده برای این است که مفهومها مستحسن بشود  
و مفاهیم را نشوند و بعثت برای راهنمایی مورونک متسود.  
طوریکه تئوریگان و گویندهگان میگوینند که از صعف مد فتوت  
میتوانند اگر این شیوه را از آثار پیش سکونتند امروز را دینوی  
و پلیوریوزن بینوایند کی از مرارک بهم قوت و دیوانایی همچوی  
نمایند امده بدهند. مستخلصه این شیوه در اینجا حالت شد  
شیوهای ما را بیسیم و بحدس - را در اینجا معرفت میکنند.  
مشفهایی که میگردند که این است تجھیز که ما حواس استفاده  
کنیم که عکس حسوسی کردند این است که زمانهای جهودی میشه  
اما این کار صحابه مدرمنانی است که زمانهای جهودی میشه  
کسانی که عکس حود را ببروی و جایدههای را و بلخن گند میمار

مجال اندیشیدن و مجال مذاکرات در مسحوقی را با خل  
بدهند و رادیو تلویزیون رای این کار است.  
رئیس جمهوری در ادای سخنان ما اشاره به این مطلب  
که من سخنام را بردم حکومت صحت و صحابه نموده بود  
تلوزیون نیز گفت: روزنامهها سر اگر این مسوی را که  
دارست ادامه بدنه اس نوعی حرایت نکرد ارادی است.  
اگر فرار باشد صفات های رو روانه ای ایکتا و قیامت کند به  
بر شدن از عصفه های دیگران در این مسوی رای ایکی  
نمی کنم مگر با این مشاهد افراد ایرانی میگم و در  
خلد دید بردم خودمان و سخنان فرار مذکوم و کار نمیگم  
که این روش در حلشتها نثار می شناسد. گمان اینسته  
امراض ایام دید این که این نوع مطالعات مسوی سود از هم  
مخفود است. من یک اتفاق رسانیده و مسحوقی را با خل  
و میادله افکار و بیب مگری و بذر ازان تا سازیم. میتو

رئیسجمهور افزوغ هر کدام از ما انسان هستم و انسان  
 کامل بکی داریم که او هم عاتی است و مسندو گفت که  
 این اتفاقات را با وارد نمودن این  
 اندیشهای را کرد که هر چیز را که دیدی سرچ  
 ملطفی نمیوسی گی دیدی من می گفتم این طرف غرض زده  
 است آنچه دلیل آنست که سخنسر از این  
 شوه پذیریم میخواهیم اندیشه را که گزیناند آنها آمساده  
 میسند که عدم قحسن بخورد و هم ذکر بگند و میگویند

سی خواهی میروین و سی از این که آشنا از صد و پیصد  
علم بدست باقیل من اند و آنها را عوین به علم زرمن نمکند  
و جرهاتی میتوسید که نوع و شما و خواستهای اهلی  
حاجات را از این سی بفرموده و حیان آن جهادهای مصونیت و  
خلاص و سی بانه موجود کی اورد و توانی حاجاتی سواده  
و ملعمی عمامی مسود که خود نشان هم نمیداند چه  
محاجه افتاده و آخر سر هم می طغای مسود. اگر روزنامهای  
ما هم روی خط اسلامی برخودن که درست معرف و نهی از نظر  
کنکه شهادت بنی بلعیم مکاری هرجاه میتوسی از رسیدهای  
هرچه میتوسی سایس خوبیها - سیار خوب می شند نار  
از ایک نالک ریسا تعریف میکنم آ وقی در دربان مسود  
که ایک بگوشی دلیل کاری هست این است و رعی آن مابن  
است. علت این که این هنرها باید سایس بخوبی میتوسند  
آن است و برای بوجود آمدنش هم این که گاهرا باید کرد.

آخر ده این هرچند را سویست سطح تا آبا نیز اریک  
ناد وفت لازم است که بخط وحدت و نامهم بخود ساخته  
جز این داد و روی ساده را درست نمی کیرند؟  
لترالیز و نارا کیم  
روشی همچو این در ادامه مثالان بخود در رسیده وحدت  
محض گفته و اظهار نهاد: اصل ما وجوده است اینها هم  
که اسلام نهاد است همه را هم بروند وحدت من خواهند  
نهیم کن نیست که بگویند وحدت بد عذری ایست حتی آنها







ملاقات حجت الاسلام هاشمی  
رفسنجانی با عمر القذافی  
و عبد السلام جلود

کشور لیس دیدار و گفتگو  
کرد آغازی رسمخانی گفت  
در معرفه سوابیل المکاری  
اعلام اسلامی اینون و  
اعلام لیسی در رسندهای  
سامی اسلامی اندیادی بر فرست  
تلنفوایی و همچنین در مورد  
کلیساں سوان عرب و توسعه  
تلاعات سوارت ایران در  
طراپس و سببل کاران در  
شدن کوکوهای شدید اند  
تصییان انجاد شد حجت  
الاسلام رسمخانی از ورد  
سداقات ماعت و عمل و  
اسباب حکم عراق به ایران  
بررس و تشریف نشانده  
بودند که عراق به ایران  
تحاول کرده است رئیسه این  
تحاول و عظدهای دول عربی  
به خصوص ایمان و کفرخواهی  
بر صحنه شده علیه امثال  
اسلامی ایران است و سدام  
 بواسطه اسلامی عصایت خارجی  
و همچنین برای اراضی حسن  
و سمعکلیسی حجده ب جایی  
که بعدم بروان حمله مانع  
میزدهای استعمال امنیتی  
را پذیرفته است و به گفته  
اسلامی ایران حله کرده  
است.  
با به گزارش خبرنگار  
اعلامی خوزستانی بارس  
حاجت الاسلام رسمخانی در  
ادامه سفر خود به نیسی  
بین از شهرهای دور مانندی  
دیدار و گفتگو کرد به این  
هم گزارش خبرنگار دادنی  
به مخصوص و درود حاجت الاسلام  
رسمخانی حال امام خسین  
را از وی موردا داشت.

کنفرانس وریان حارجه عرب  
به هفته آینده موکول شد

خبرگزاری موابایل پرس از کردستان اما مدد طلب  
 ایان - ویران امور خارجه خدمت و مردم امور خارجه  
 تروپهای سوی اتحادیه سوی درجه ایان را باشان  
 تروپ دیبورن مسکل کنداش رسنی کنفرانس ایان را برک  
 شاهان و روای جمهور عرب کرد با محافظت آسه رسنی  
 در هرچند آنده رای داده همراه سویه به مسروط  
 رسنی نمدم علیرغم همراهی و معلوم نیست که

رانس وزیران خارجه عرب

به هفته ایمده مو کول شد  
برگاری بواندپرس او کرد همان آنای میدان خلیم  
و بوعران امروز حسارت خدم و وزیر امور خارجہ  
خای عمو احادیث سوچی بحیری قتل از پاسان  
در بورونه تکلیف کنفراس این را ترک  
ن و روای جمهور عرب  
نه آئندہ واي دادن جمهوری سویه به میوت  
عن نعمت علمی برادر و معلم سنت ک  
آپاں سوریه سرای به  
ق ایشان کنفراس شرکت  
خواهد کردیانه، شاسته کان  
طوط احتساب از انتقاد سخنان شدرو سوریه  
ت از حباب سویه از سازمان آزادیستن ملکیت  
ن در حکم خلیج سی، سی همیو، سی ای  
الحادان  
ی گلکی دین کل ایانی باقی ماندند. حما  
عدهون حمالی و پیر امور  
حای وحجه عراق لشکر کنفراس  
و ایندیده ۲۵ دینه ترک  
که کنفراس سران عرب  
مسنه آبده طبق مردانه  
تکلیف خواهد شد. او بعد در مورد طربات  
کنفراس و زیران عرب  
و دل دند طربات کنور  
عمری را بعیم نزدیکتر  
و پرچی مسائل موجود  
سله طرحیانه مربوط به  
استانی مشترک عله  
اسماکنند را بر طرف

ساعات شرعی بافق تهران

شنبه دوم آذرماه	۱۳۵۹
بر ۱۴ محرم الحرام	۱۴۰۰
مطرب .....	۱۷/۱۱
شقق .....	۱۸/۲۱
روز .....	۱۹/۱۱
ساعت و ۵۵	۱۹
ع فهر (فردا)	۵/۱۲
ع آنات (فردا)	۶/۲۷
شروعی (فردا)	۱۱/۵۲

## اوپر جبهہ‌های جنگ

جهه آبادان: سحرگاه، دبروز در شهروندان رزمندگان  
نامعوانی دشن در استاداد جاده‌های آبادان - ماهشهر  
آبادان بهاروار سکر و نکنفر عراقی سیدم شد.  
دعا این حمله سپاهی عراقی یک کلیسیت دیگر از موضع  
تفالستان فتحنده.

جهه خسوس: بوخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول  
مرتبه و سویج دبور سکرها و سوئیهای دشن را در استاداد  
جاده‌های فوق ریزاست خود فراردادند. گزارش رساند از  
آبادان حاکم عراقی گاووبیگاه با بوخانه دوزن از داخل  
حکوم عراقی مغلق مکتوپ این شهر او را منس قرار میدهد.  
اعتراف اردن سپاهی عراقی از اطلاع رود جانه بهمن شرس  
ترجع موضع آنان شد سپاهی خودی شد در این  
جهه همان ادله از این داده از دارد.

جهه آهواز: دبور سپاهی رزمندۀ جمهوری اسلامی  
ایران در بیان بعنایت توپخانه عراق موضع دشن را پرسی  
تشن شد خود فرار دادند. از سوانح شلقات و صدفات  
ازده بددش همروز آمار دفعی بدست نیامد هاست.

جهه سپاهی شاعق انقلاب اسلامی در یکی از جهیه‌های اطراف آهواز

جهه شرق و ۷۰ سفر از آهیا بر هلاک براند در این سفر  
چیزی نیک دسته نداشت دشیں با آتش رزمندان  
جمهوری اسلامی ایران را بودند و گزارش کامل این عملیات  
عمماً به اعلام است رزمندۀ ایران حواهد رسید. هم اکنون  
در جهه آهواز سپاهی خواهی ما با مردوگران یعنی میادله آشیان  
میکنند. دشن مطابق شیوه حاسکاران اند دبور سر هدف  
ساقط سکونی آهواز را توپخانه حمله کرد و در مفصله  
ساعت ۱۹/۳۱ نا ۲۱ دست صدای اندیزه از زبانی  
هوای شده شد که هنوز از حسارات و شلقات اطلاع ای  
دست نیامده است.

جهه سوکنگرد شیر سوکنگرد دبور سر هدف

درین سید نویجه دشن فوار برق و نوچان خودی د  
باح اتس دشن سوی موضع بیروهای مشاور اش کنود  
رخ حال حاضر شهر سوگند سطزمندان جمهوری اسلامی  
بران کاظل محافظت شود. دسن برآس بعنهای  
خطاط خود در نظر دارد قبل از فرا رسیدن آغاز زمان  
ما نقوت بیروهای خود است بد ک تهادم و سعی  
سوگند بزند اما رزمندان جان برک اسلام این مدعان  
مرحبت جمهوری اسلامی ایران با ماری پرورگاران  
نقدهای شططی دشن تاکر را نشی بر آب جواهد کرد.  
عده هنین سایه کارش رسیده در مسلطات پژوهی و جوانمردان  
هواسرور بربوی موضع دشن در نظام جمهوری خوسان  
بن حازرات به ارتضی دشن وارد شد:  
نهدام سو دودستگاه ناک بکهار نهایات بکشانه  
هزاره بعزاده سوب کنیتی بد مقصده هایی و  
تباریهات در این عملات خود بکدوچهل سار افراوه  
دشن به حلاک رسیدند.  
برابن عملات شعاعندیک علی کوپتر هواسرور مورد ایامت

بیان دهن و افع سوادگان از سوانح استدای مردمی  
کیابی خود را آن دست داد.

مراسی اخیرین گوارشهاي ناید شده از سوی میان اساتید نظامی رزمگان دلاور ارتش مهندسی اسلامی ایران و اداره امنی اقلاب اسلامی پس از جهاد وور سرد مذاوم در ۱۱

ل حاضر شهر سوگند بوسط رمذکان جمهوری اسلامی  
کامل محافظت میشود دشن برایان مقننهای  
می خود در نظر دارد قتل از فرا رسیدن آغاز رساند  
بروت پوشیده خود دست به نگ نهادم و سعی  
کرد برند اما رزمذکان حار بر زک اسلام دندانها  
جمهوری اسلامی ایران با باری بروزه دکار موانا  
های سمعطایی دشن کافر را بخش در آب خواهند کرد  
دشن بنادرکارش رسیده در عملیات بروزه دکار میگردان  
بروزه دکاری موافق دشن در نظام جمهوری اسلامی

عازار به ارضیان وارد شد:  
ام کم و دسته ناکنگ مبارکه  
۹- عزادار بوب کسی.  
در این عملیات حدود یکصد و چهل تن از افسوس  
نه هلاکت رسیدند.  
عملیات شاغرانیک هی کویر هواندروز مرد امانت  
دست واقع در خوشحالان آن سوانح کم استدبار و مادی  
ی حودرا از دست داد.  
بر اساس اخیرین گواهی های شاهد شده از سوی مقامات  
نظارتی وزارت داران دلار ارش جمهوری اسلامی ایران و  
اران انقلاب اسلامی پس از جهاد روز سعد دادو در  
مکد در این مدت از بینیانی آشی موبایل همراهی و سیم  
شد بود از عملیات ها سوز و حکمت های سرمهی  
ی جمهوری اسلامی ایران برخوردار بودند در جمهوری سوبار  
ی عادی خواهان آفریدند و ما نموده بهاری و حاسته  
ها، موضع و ارتفاعات سوقی الحسنی را نکی پس از  
کی از میوه های دستی را با ساختند و با وارد آوردن  
خانی سکن و امدادهای تجهیزات نظامی فراوان  
س از اینجا بر ارتفاعات سوقی الحسنی سورفه سوبار  
ش دند و اینکه سلط کاتمان بر منطقه استکار عمل را  
بینه سوبار در دست داشته مکتوپ نمود برای کاک  
آن جهتی از میوه های بخت عراق با همانکنی کامل و  
یا میوه های دلیر ارش جمهوری اسلامی و

از این اقلاب اسلامی و سایر زندگان آمده دارد. در  
آن می بود در دادگاهی از رویهای ریشه دهنده حکومتی  
و باشدازان خان برک اتفاق اسلامی بدراجه  
نهایت نائل آمدند و نا شهادت خود نامی حاودان از  
سوانح نهاد گذشتند.

در چهاردهمین نیو روای عراقی دری بزمد های رور  
باشوا و عاسرا ناگیر بر مقدار شستنی شده  
بر دست اسلام پر بنات موکب می داشل این عرض  
ماده هم جمین نیو روای روهی باشد بیرونی فایل توجهی  
باشندان و رسیدگان اسلام در این جمیه بازرسی  
از عمل شفای های خاص دارد.

شات رسیده از کوشش حاکیست بعد از طی بیرونی ۴  
دست میک عراقی به منطقه محجر حمله کرد و می سرا تراش  
مواسی ایران ناگیر بر فرار شدند.

زمین این دوست فراری برقرار شهر اسلام آباد عرب  
شده و پس از تکنیک دمبار مویی دسته مباران سررا  
شند. همچنانچه عوامی اسماهی محاور دسته برقرار میگی از  
اهای بخت ایوان واقع در اسان اسلام سر با جو انداد  
م به فروپیش مسیهای هوشمایی کردند بر اثر انتحار  
مسیهای معموا ۱۶ نی از دروس ایان محروم و شهد

توزيع سهمیه قند و

مهدیس سعیدی سخنگوی  
ساد سیح اقتصادی کشور  
در تعاون با خودگزاری  
پارس اطلاع دارد:  
توزیع سهیمه نند و سکر از  
فردا آغاز خواهد شد سایه  
کفته سخنگوی این ساد  
کلنه هموطنان عزیزی که  
کوبین های طرح توزیع اعلام شده  
کالا را در بیانات سودمند است  
متواتند از سازمان دولتی  
سوم آذرماه ۵۹ جبهت  
در بیانات قند و سکر در مقابل  
ارائه کوبن بتوت اول -  
الد همچنان که عاملین فروش  
مزاحمه کنند.  
سخنگوی ساد سیح  
اقتصادی قلن سکر از  
رحمات کارگاه مسلمان و  
سعیده سایبان نند و سکر  
کشور و سکر از حشد و  
آشنازی که عاملین نند و سکر  
در این توزیع و دوپوش بعمل  
حواله آورد ناکند که کد که  
هموطنان عزیز می بوانند ما  
ارائه نک قطعه کوبن بتوت  
الد - الک برآسان و نک  
کوبن که معروف تعداد سهیمه  
سیاست نند و سکر مدیری  
جذود را به ازا هر سهم بک  
هزار و دویست کرم به ترج

میزان ارسال از مددچه	
مقدرات جدید حرج و سوزان از محصلی برای دانشجویان	امروزی مقدم کشورهای خارج دربرداشت اعلام شد.
بر اساس این مقدرات که بتوسط وزارت بر رهبرک و آموزش	عاليٰ و وزارتخارجه سانگ مرکزی ایران ممهنه شده است از
سی سی پس از این افاده اگر در مکان از گروههای محصلی مورد	بازار و هیجانگاه فنی، کشاورزی، داسیوری، پوشکی و علوم
باشد و در دورههای بالاتر از انتقال به محصلی دارند	باید در دورههای بالاتر از انتقال به محصلی دریافت دارند
می باشد از دانشجویی دریافت گند. هجدهین بر اساس	همین مقدرات افاده مکان مدد از ماسیه از دسته هشت ماه سال
جائزی برای تخریب و اعلام رسیدهای موردنیاز در موسمات	امروز عالی خارج از ترک معمول به محصلی ده دهانه در
محصولک رئسه محصلی آنان می باشد و همچنان می باز کنون	موسمک رئسه محصلی آنان می باشد و همچنان می باز کنون
ساخت، پاید عهد مبارزند که طی نکمال محصلی میست	ساخت محمر رست و نطمی آن را رشته های محصلی موردن ساز
ادام ساخت	ادام ساخت
حدوی میزان دعماهت از محصلی برای دانشجویان	حدوی میزان دعماهت از محصلی برای اعلام شده است:
میزان از لر لر قلقل در فرد	میزان از لر لر قلقل در فرد
۱۵۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰
۱۴۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰
۱۳۰۰۰۰	۱۳۰۰۰۰
۱۲۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰
۱۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
۹۰۰۰۰	۹۰۰۰۰
۸۰۰۰۰	۸۰۰۰۰
۷۰۰۰۰	۷۰۰۰۰
۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰
۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰
۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰
۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۵۰۰۰	۵۰۰۰
۲۰۰۰	۲۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۵۰۰	۵۰۰
۲۰۰	۲۰۰
۱۰۰	۱۰۰
۵۰	۵۰
۲۰	۲۰
۱۰	۱۰
۵	۵
۲	۲
۱	۱

شیخ

بـت مردـه اـسـتـ هـرـسـیـ هـرـسـلـقـیـ اـزـکـشـ سـخـدـمـتـ  
حـودـ وـ دـیـکـرـ کـرـفـتـ نـاـ اـمـوـاعـ وـ اـسـلـوـهـدـهـایـ عـنـیـ وـ  
دـھـنـیـ جـوـانـ کـهـ بـایـ رـشـ وـ تـعـالـیـ آـدـمـ رـاـ مـیـ سـنـدـ،ـ هـدـهـ  
سـکـیـ وـ سـخـانـ هـنـدـ.ـ دـنـهـاـ وـ دـنـهـاـ حـقـ سـخـانـ وـ تـعـالـیـ  
اـسـتـ کـهـ حـیـ الـلـوـمـ اـسـتـ.ـ کـهـ عـشـ رـنـدـیـ اـسـتـ.ـ اـسـانـهـاـ  
بـاـ تـرـکـ اـزـ خـوـبـیـگـانـکـیـ هـایـ حـوـشـ،ـ بـاـ نـطـرـتـ وـ تـحـمـدـیـ  
خـودـ مـیـ سـنـدـ وـ درـ آـنـ طـفـرـ.ـ بـاـ تـلـیـعـتـ خـودـ،ـ بـاـ ضـمـنـوـعـ  
خـودـ.ـ بـاـ حـدـایـ خـودـ تـوـجـدـ مـیـ هـدـهـدـ وـ لـیـ نـظـلـ هـاـ نـرـ کـمـ  
مـیـ سـنـدـ.ـ بـرـسـارـیدـ وـ اـسـانـهـاـ بـاـسـلـ الـلـاطـنـ مـخـواـنـدـ.  
بـکـیـ اـزـ مـطـلـعـهـ غـرـوـوـ اـسـتـ.ـ عـغـورـ وـ خـوـدـیـمـنـدـ مـاـنـجـهـ  
خـودـ سـاحـدـمـنـدـ.ـ اـنـظـالـ اـلـلـاـلـیـ مـاـ بـرـاسـتـ هـذـرـ فـنـ وـ رـوـمـانـهـ  
بـودـ وـ هـستـ وـ لـیـ اـمـاـبـدـ مـوـرـبـوـ آـنـ بـیـوـمـ وـ جـمـ جـمـ کـرـیـ.  
هـایـ آـنـ باـرـ نـکـشـ وـ اـکـ آـنـ کـرـیـهـ وـ کـاـسـ هـاـ رـاـ سـاـ کـوـکـیـ  
مـادـ وـ قـالـ بـرـاـوـیـمـ وـ نـاـ روـشـ اـولـبـ سـنـ کـمـ درـمـانـ  
نـقـلـ وـ نـالـ وـ هـنـهـاـوـرـمـ رـاـ اـنـ اـمـلـ مـطـلـ بـهـ فـرـعـاتـ وـ اـرـ  
ماـفـاـلـ وـ مـاـنـ مـنـوـجـهـ سـارـمـ؟ـ اـرـجـاـ بـخـودـ سـنـ آـنـمـ وـ هـرـجـهـ  
رـوـدـتـ درـیـ رـوـدـنـاـ سـارـسـتـهـاـ نـیـسـمـ  
آـیـاـ اـفـلـ سـیـ اـرـدـ حـمـدـانـ کـمـ مـلـ مـلـهـاـ درـ  
مـدـارـسـ مـلـمـهـ مـیـ آـمـرـنـدـ.ـ بـعـحـرـ "سـهـهـ" تـحـقـیـقـ کـمـ؟ـ  
نـکـدـ اـزـ نـتـاجـ سـخـنـ اـرـبـنـ مـهـاـسـ وـ مـخـواـهـمـ کـنـدـ

سے سر معاشرہ

ب مرده است. هر یعنی، هر مطلقی از گزین- شخص خود و دیگری که نهاده است انسان اسطوره‌های عجیب و ذهنی خواهد کرد که بای رشد و تعاملی آدمی را بسندید، همه سکی و بیخان هستند. تنها و تنها برای سخاوانه و تعالی ای است که من این قیوم است. این عقق دردی است. انسانها با مرکزه از خود خودسکن‌کنی های خوش، به قدرت موجودی خود مستعد و در آن مفترط. با ظلمت خود، با هشتوغ خود، با خدای خود موجود بجهد هدفی و مطلوبی های بزرگ نیستند. پسروارید و انسانهای اساسی اسلامی مخلوقانند.

لیکن از مطلب‌های عبور از خود می‌تواند مذکوجه خود ساخته‌یند. انقلاب اسلامی ما مردمی هم‌فرم و زمانه بود و هست ولی آنها بامد مغروز از تصور و حجم که کردند. های این باز نیکتم و اگر آن کفری‌ها و کاستی‌ها را سما کویدند داد و قال برآوردهم و با روش ایله‌پیش می‌کنند در میان فدل و قال و هماهه مردم را از اصل مطلب به غریبات و از ماقالهای دیگر من فاصل متوجه سازیم؟ خواهد خود می‌شوند و زواید دریزی زیبدون ناراضی‌ها می‌شونند.

این اغلب از ازدیدهای صلحان که می‌شوند طبله‌ها در مدارس علمیه ای ازوند. سعی تبیه «تحلیق کیم؟» نیکند از نتایج تحلیق از بیش سیهراست و سخاوهایم کنند.

کوته خواهان بست روم و دروغ ایجاد احسان خطر را خود را در خواهان سپید پنهان کنند. ولی کوته کارکارخانه خارج نیز این احترافات را نیسم. نا آنچه که انتلاق در سر انتحراف می‌افتد و رعایت متوجه شوم که کار اگر گذشته باشد.

اگر خواب متنی است، این این امرور عذلان نیکند که برای رسیدگی سلایه ب مطابع اعلاءه ای از ناس ملکام شواری هایان نشکلند مود؟ با هدایت برای رسیدگی به بواری دیگر آقای رئیس‌جمهوری نام برداشت. هرچه و دفتر نشکلند شود. بالاخره یک روز باید تعازات را کار گذاشت اگر برای معاذات انجام‌دهیم، کشم و ماده‌فانه مسح‌واعیم کلیمان انجام‌دهیم، قدرت از بین برود.

مکر سدانیم که اگر ستارچی تاریخ ما را خاطل نمایند،  
شکارمان خواهد کرد و این انقلاب را سر جون هزاران هزار  
انقلاب دیگر برگیره که از این مدت بروز نداشتند. این اتفاقات  
به بیان های اموی و عباسی گفته شد. حتی خود رویداد  
جوده فویسی سخاحداد که تذکر نمی شوند علم بیرون کار  
علی و بیرون عشق و ایثار و از حود گذشتی حتی از نام  
و نیان. انقلاب مانع احتیاط و رستگاری خواهد شد.  
پس راه حل چیزی نیست. سار دیگر اگر واقعاً را است  
باید که هر کجا از این کاریکاتور حرام بود و پر عینده خود  
میگند. براسی اندازه ای از سر اکاها نهادند و گزی های  
را از راستی های بار دست ننمایند. برای راهبردین به وجودت  
و اندی چیز کاربرد کرد؟  
و این آنست که در اصول شخصی علی و نه در دلکشی  
تعمارانه. بتوافق ترسیم و این بیشتر خوب باحت آزاد،  
حریا سلطنه. سلطنه خیر بدی نیست. برای روش کردن  
و بیرون رسخت امرار نهادند. بعضی براسی تنان مددگر که  
آیا بالا خواهد بود. بعد از این خوبی آیا ها. سلاسل کشیده خواهند  
با خوب. شاید بدشان نهادند که مکوید ریاد بد خوب است.  
باید روش نشوند که بالا خواهد بود و تکلیف باید در دادگاه باید  
باشد. این ای اکاها نهادند باید اینجا بود نه آن دادگاهی  
مسن ایست با خوب. و باکنند نهادند باید خود که بولیده ما  
باید با بوله ما؟  
اکون که زردیک به دویان از انقلاب ما میگردید. برای  
اصحان خود ساید دنر پوشیده مانده باید که در اصول  
راهنمای حکومت اسلامی. مامن رهبران و مسامح قسم  
اعلای انتظامی اسارتندادی وجود دارد که بسیار خطیر باشد.  
است و میتواند کوکد انقلاب را به کجا راهها بکشاند.  
آیا بالا خواهد در اسلام خفت و سلله را نوجوه میگند ما  
نیستند. باید سازهار و در بازگشتن گویی هایان نکند  
و لی برای خود ما وقی اندام نمیکنم. نکند! اصل اینهمه  
که خفت و سلله را نوجوه نمیگند. یعنی چه؟ بعض اینکه